

اخبار	
داستان‌هایی با موضوع آب برای بچه‌ها	
	
مجموعه چهارجلدی «داستان‌های غولی» به نویسندگی عباس قدیرمحسنی با محوریت «آب» منتشر شد.	
به گزارش ایسنا، این مجموعه که با عنوان‌های «غول آرزوها»، «غول تشنه»، «جنگلی که غول داشت» و «غول بدخواب» با تصویرگری سمانه شریفی آراسته شده، در انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده است.	
عباس قدیرمحسنی درباره مجموعه «داستان‌های غولی» گفت: لازم است که در قالب داستان برای بچه‌ها فرهنگ‌سازی شود تا به اهمیت آب پی ببرند و در مصرف آن صرفه‌جویی کنند.	
این طنزپرداز خاطرنشان کرد: نمی‌خواستم مستقیم‌گویی داشته باشم به همین دلیل تلاش کردم به طور غیرمستقیم در قالب داستان توجه بچه‌ها را به اهمیت آب جلب کنم تا آن‌ها به آب به عنوان مایع حیاتی فکر کنند.	
او با اشاره به این که نوشتن مجموعه چهارجلدی «داستان‌های غولی» یک سال و تصویرگری آن حدود یک‌و نیم سال طول کشید، بیان کرد: داستان‌های این اثر با تخیل و فانتزی بیان شده است تا از حالت آموزشی فاصله داشته باشد.	
ضرورت فرهنگ‌سازی درباره مصرف درست آب	
نویسنده مجموعه «داستان‌های غولی» اصلی‌ترین پیام این اثر را مصرف درست آب دانست و افزود: خواستم به بچه‌ها بگویم آب بطور به‌وجود می‌آید، در پشت سد‌ها نگهداری می‌شود و اگر آب نباشد در آینده با مشکلاتی مواجه می‌شوند؛ پس لازم است که آب در دست مصرف کنند.	
قدیرمحسنی با بیان این‌که در آینده جنگ کشورها بر سر آب خواهد بود، بیان کرد: متأسفانه در مورد آب کمتر کار و فرهنگ‌سازی شده و لازم است که در قالب داستان این مسئله برای سنین پایین‌تر یعنی کودک و نوجوان فرهنگ‌سازی شود تا به اهمیت آب پی ببرند و در مصرف آب صرفه‌جویی کنند.	
این نویسنده، مجموعه «داستان‌های غولی» را کاری از مرکز تجربیات هنری و ایده‌های کانون پرورش فکری ذکر کرد و افزود: ایده اولیه آن را آقای کوروش پارسائزاد داد. ایشان در تمام مراحل حمایت و پی‌گیری کرد تا این مجموعه به ثمر برسد و منتشر شود.	
چاپ یک بچه مریمی ز زمینی» و «قصه‌های ننه شهزاده» تا پایان سال	
او با اشاره به این‌که کتاب‌های «یک بچه مریمی ز زمینی» و «قصه‌های ننه شهزاده» را برای انتشار به کانون سپرده است، توضیح داد: جلد نخست آن‌ها در مرحله تصویرگری است و تا آخر سال از سوی کانون منتشر خواهد شد. هر دو اثر به احتمال زیاد ادامه دارد و مجموعه چهار، پنج جلدی خواهد شد.	
«آن مرد با اسب آمد»؛ قصه‌ای کهن و محبوب برای نوجوانان	
این نویسنده که کار خود را با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شروع کرده است، اظهار کرد: کتاب «آن مرد با اسب آمد» تاکنون چهار، پنج مرتبه از سوی کانون بازنشر و مورد استقبال مخاطبان واقع شده است.	
قدیرمحسنی با اشاره به این‌که «آن مرد با اسب آمد» یک قصه کهن است که آن را از روی تصاویر نوشتم، گفت: بافت کتاب شبیه افسانه‌های قدیمی و کم‌حجم است و تصاویر خوبی دارد. بچه‌ها با متن کوتاه و تصاویر کتاب ارتباط برقرار کردند. خوشبختانه نوجوانان آن را خیلی دوست داشتند.	
مجموعه چهارجلدی «قصه‌های غولی» با دبیری کوروش پارسائزاد در شمارگان دوهزار نسخه با قیمت ۸۰هزار تومان برای گروه سنی بالاتر از ۷ سال (نوخوان) از سوی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر و روانه بازار کتاب شده است.	

پایتخت ایران در حالیکه با چالش بی‌سابقه خشکسالی و افت شدید منابع آب زیرزمینی مواجه است، قنات‌های تاریخی آن، یادگار هوشمندی ایرانیان در مهار و توزیع پایدار آب، یکی پس از دیگری به فراموشی سپرده می‌شوند و یا به فاضلاب شهری می‌ریزند. قنات‌هایی که روزگاری باغ‌ها، محله‌ها، کاخ‌ها و زندگی مردم را سیراب می‌کردند، امروز یا کور شده‌اند یا مسیرشان منحرف شده و یا قربانی بی‌برنامگی توسعه بی‌وقفه شهری شده‌اند.

اسکندر مختاری طالقانی، مرمنگر و پژوهشگر میراث معماری و شهرسازی در گفت‌وگو با ایسنا به روایت سرنوشت قنات‌های تهران پرداخت و از قنات‌های زنده‌ای که آب آن‌ها روانه فاضلاب می‌شود، تا قنات‌های خشکی که زمانی کاخ گلستان و میدان مشق را مشروب می‌کردند، سخن گفت.

مختاری با بیان اینکه قنات‌های تهران روایتی اندوه‌بار دارند و یکی از نقاط تاریک توسعه معاصر شهری در ایران محسوب می‌شوند، گفت: هم‌اکنون که با شما سخن می‌گویم، بسیاری از قنات‌های تهران هنوز فعال‌اند اما آب آن‌ها مستقیماً وارد شبکه فاضلاب شهری می‌شود. برای مثال، قنات «فخرالدوله» در محدوده الهیه، به واسطه ساخت برجی که در مسیر آن قرار گرفت، آب خود را پمپاژ می‌کند و به فاضلاب می‌ریزد. قنات «پینک» در نزدیکی باغ فردوس و قنات «باغ فردوس» نیز سرنوشتی مشابه دارند؛ هنوز آبی در خود دارند اما بی‌هدف و بی‌حاصل، سر از شبکه فاضلاب در می‌آورند.

او اضافه کرد: قنات «مهرگرد» که قدیمی‌ترین قنات تهران است و قدمتش به پیش از اسلام می‌رسد، هنگام احداث تقاطع خطوط ۱ و ۲ مترو تهران منحرف شد. امروز مشخص نیست آب این قنات به کجا می‌رود. خشک شدن قنات مهرگرد سبب خشک شدن درختان سمت غرب کاخ گلستان شد. درختان سمت شرق کاخ نیز به‌واسطه خشک شدن قنات «ناصری»، که در زمان ناصرالدین‌شاه حفر شده بود، از بین رفتند. یعنی دو قنات اصلی که کاخ گلستان را مشروب می‌کردند، از جریان اصلی خارج شدند.

این پژوهشگر و معمار ادامه داد: قنات «حاج‌علیرضا» هنوز فعال است اما در چند نقطه مسیرش بسته شده و آب آن نیز در نهایت وارد فاضلاب می‌شود. این قنات نیز محله عودلاجان (اودلاجان) را مشروب می‌کرده و آبی گوارا داشته که مردم برای آشامیدن از آن بهره می‌بردند، همانند قنات مهرگرد.

او اضافه کرد: قنات «ناصری» آن‌قدر آب زلال و خوش‌گوار داشت که در محل فعلی خیابان پارچانی در میدان مشق، مظهری از آن قرار داشت که مردم آن را «آب شاه» می‌نامیدند. این قنات در گذشته از محله بهجت‌آباد فعلی سرچشمه می‌گرفت.

مختاری با بیان اینکه هر یک از این قنات‌ها، مظهر و تاریخچه خاص خود را داشته‌اند، اظهار کرد: قنات «مستوفی» در یوسف‌آباد تا چندی پیش مظهر داشت و آب آن جاری بود. قنات «فرمانفرما» نیز هنوز فعال است، اما آب آن هم روانه فاضلاب خیابان پالسداران می‌شود. تأسفبار است که در شهری که از کم‌آبی رنج می‌برد، چنین نعمت‌هایی نادیده گرفته می‌شود. در شهری که با بحران بی‌آبی روبه‌روست، چرا باید قنات‌ها به‌جای بهره‌برداری، مستقیم به فاضلاب شهری ریخته شوند؟ چگونه مجوز داده می‌شود که برج‌هایی با ۱۰ یا ۱۵ طبقه تا زیرزمین احداث شوند و مسیر قنات‌ها را کور کنند؟

او افزود: تا اوایل دهه ۷۰، اگر کسی قصد ساخت خانه‌ای در تهران را داشت و زمینش در مسیر قنات قرار داشت، باید مجوز بازدید از میله‌های قنات را به اداره قنات‌های شهرداری می‌داد. اما اکنون، دیگر خبری از این نظارت نیست و بسیاری از مسیرهای قنات‌های تهران کور شده‌اند.

مختاری ادامه داد: از دیگر قنات‌هایی که هنوز هم

میراث فراموش شده در پایتخت تشنه ایران

قنات‌های تهران قتل‌عام شدند!

در دل یکی از خشک‌ترین سال‌های تهران، آب برخی قنات‌های تاریخی این شهر هنوز جاری‌ست؛ اما نه در باغ‌ها و خانه‌ها، بلکه در لوله‌های فاضلاب، در حالی‌که شهر با بحران شدید کم‌آبی و افت سطح سفره‌های زیرزمینی دست‌و‌پنجه نرم می‌کند، توسعه بی‌رویه شهری و نبود مدیریت یکپارچه، میراث آبی تهران را به مرز نابودی کشانده است. اسکندر مختاری طالقانی، پژوهشگر میراث فرهنگی از قنات‌هایی می‌گوید که هنوز می‌جوشند اما گمنام و بی‌ثمر به فاضلاب می‌ریزند.



فعال است، قنات «سردار» در باغ‌فیض است که از امام‌زاده باغ‌فیض خارج می‌شود. قنات دیگری نیز در امام‌زاده عینعلی و زینعلی‌پونک قرار دارد که متعلق به خانواده فرمانفرما است و هنوز خشک نشده اما سیستم آبرسانی‌اش به‌شدت آسیب دیده است. سنی آن‌ها از بین رفته است. او بیان کرد: به‌خاطر دارم تا سال ۱۳۴۲ هنوز میراب‌ها وجود داشتند؛ کسی که داد می‌زد تا آب‌انبار‌ها را پر کند. یادم است که آب آشامیدنی را از سرکوه‌هایپامن با وسیله‌ای به نام فشاری می‌آوردیم که به آن آب آشامیدنی «آب شاه» می‌گفتند. آبیاری باجچه‌ها و شست‌وشو نیز از آب قنات‌ها مشروب می‌شد. مختاری درباره امکان احیای این قنات‌ها گفت: ابتدا باید به سراغ آن‌هایی برویم که احیا هستند و پیش از آن‌که نابود شوند، آن‌ها را بررسی و ساماندهی کنیم تا آب آن‌ها به هرازبار نرود. قدم بعدی این است که به سراغ قنات‌های آسیب دیده، برویم و اگر جای جریان دارد، چارواک ببیندیشیم. سومین قدم این است که قانون حقوق عمومی که در گذشته مراعات می‌کردیم، به جا آوریم؛ یعنی اگر مالکان، هنگام ساخت‌وساز با قنات برخورد کردند، باید متعهد شوند مسیر قنات را حفظ کنند. او افزود: در همین تهران، می‌توان ده‌ها نمونه پیدا کرد که مالکان برج‌ها، آب قنات را به‌جای استفاده به فاضلاب پمپاژ می‌کنند. درحالی‌که آپارتمان‌هایی با قیمت‌های میلیاردی در حال فروش‌اند، کمترین انتظار آن است که صاحبان آن‌ها به حفظ مسیر قنات متعهد باشند. چرا مترو تهران نمی‌تواند مهندس مالکی که مسیر یکی از قنات‌های تهران را به فاضلاب منحرف کرده، ملزم کند مشرف‌های برای پوشش مراسم اربعین امسال این پژوهشگر میراث فرهنگی در ادامه گفت: کاخ گلستان در گذشته تنها بیست متر با آب‌فاصله‌داشت، حال آن‌که اکنون، چاه‌های اطراف آن در فاصله حدود ۱۰۰متری زده شده‌اند و قنات‌هایی که روزی درختان را آبیاری می‌کردند، خشک شده‌اند. در میدان مشق در ۱۰۰متری برای آبیاری چهار تا درخت، چاه زدند. قنات

مداخله حکومت، قنات‌ها را سرپا نگه می‌داشت.

برخی دیگر از قنات‌های تهران هنوز هم کار می‌کنند مانند قنات سفارت انگلستان، قنات سفارت ایتالیا،

مظهری آبی دارد، قنات سفارت روسیه و قنات باغ سفارت ترکیه. تمام این‌ها فعال‌اند اما سیستم مدیریت

سنتی آن‌ها از بین رفته است. او بیان کرد: به‌خاطر دارم تا سال ۱۳۴۲ هنوز میراب‌ها وجود داشتند؛ کسی که داد می‌زد تا آب‌انبار‌ها را پر کند. یادم است که آب آشامیدنی را از سرکوه‌هایپامن با وسیله‌ای به نام فشاری می‌آوردیم که به آن آب آشامیدنی «آب شاه» می‌گفتند. آبیاری باجچه‌ها و شست‌وشو نیز از آب قنات‌ها مشروب می‌شد.

مختاری درباره امکان احیای این قنات‌ها گفت: ابتدا باید به سراغ آن‌هایی برویم که احیا هستند و پیش از آن‌که نابود شوند، آن‌ها را بررسی و ساماندهی کنیم تا آب آن‌ها به هرازبار نرود. قدم بعدی این است که به سراغ قنات‌های آسیب دیده، برویم و اگر جای جریان دارد، چارواک ببیندیشیم. سومین قدم این است که قانون حقوق عمومی که در گذشته مراعات می‌کردیم، به جا آوریم؛ یعنی اگر مالکان، هنگام ساخت‌وساز با قنات برخورد کردند، باید متعهد شوند مسیر قنات را حفظ کنند.

او افزود: در همین تهران، می‌توان ده‌ها نمونه پیدا کرد که مالکان برج‌ها، آب قنات را به‌جای استفاده به فاضلاب پمپاژ می‌کنند. درحالی‌که آپارتمان‌هایی با قیمت‌های میلیاردی در حال فروش‌اند، کمترین انتظار

آن است که صاحبان آن‌ها به حفظ مسیر قنات متعهد باشند. چرا مترو تهران نمی‌تواند مهندس مالکی که مسیر یکی از قنات‌های تهران را به فاضلاب منحرف کرده، ملزم کند مشرف‌های برای پوشش مراسم اربعین امسال این پژوهشگر میراث فرهنگی در ادامه گفت: کاخ گلستان در گذشته تنها بیست متر با آب‌فاصله‌داشت، حال آن‌که اکنون، چاه‌های اطراف آن در فاصله حدود ۱۰۰متری زده شده‌اند و قنات‌هایی که روزی درختان را آبیاری می‌کردند، خشک شده‌اند. در میدان مشق در ۱۰۰متری برای آبیاری چهار تا درخت، چاه زدند. قنات

آمادگی رسانه ملی برای پوشش حماسه اربعین

عظیم اربعین، بر وظیفه رسانه‌ها در انعکاس جلوه‌های ایمانی و خدمات

دستگاه‌های اجرایی تأکید کرد. وی همچنین نکاتی را درباره زمان‌بندی سفر زائران، مقررات بهداشتی و هماهنگی‌های زیرساختی مطرح کرد. وی پیرامون برنامه‌های اربعین در رسانه ملی گفت: مجموعه‌ای بالغ بر ۱۶۰ شبکه رادیویی و تلویزیونی در حوزه‌های مختلف سیما، صدا، سیاسی و استانی، برنامه گسترده‌ای برای پوشش مراسم اربعین امسال تدارک دیده‌اند. ساختارهای متنوع برنامه‌سازی در دستور کار قرار گرفته است تا مهم‌ترین وظیفه ما که همان اطلاع‌رسانی دقیق و مؤثر از اقدامات دستگاه‌های اجرایی کشور و شورهای مردمی است، به بهترین

نحو انجام شود. ما وظیفه داریم زلالی و صفای باطن مردم ایران و زائران حضرت سیدالشهدا (ع) را در قالبی شایسته به مخاطبان عزیز عرضه کنیم.

بخشی‌زاده ادامه داد: بر اساس تقویم رسمی اعلام‌شده از سوی وزارت محترم کشور، برنامه‌ریزی برای حضور زائران در کشور عراق از



رئیس کمیته اطلاع‌رسانی اربعین بر وظیفه رسانه‌ها در انعکاس جلوه‌های ایمانی و خدمات دستگاه‌های اجرایی در رویداد عظیم اربعین تأکید کرد.

به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی معاونت صدا، علی بخشی‌زاده رئیس کمیته اطلاع‌رسانی ستاد مرکزی اربعین کشور با اشاره به برنامه‌ریزی گسترده شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برای پوشش رویداد

کارگردان‌هایی که پس از سال‌ها به صحنه بازگشتند

وزش نسیمی تازه در تئاتر

این روزها نیز علی شمس با اجرای نمایشی با نام «بر زمین می‌زنندش» که برگرفته از اشعار خیام است، از ۲۲ تیرماه در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه رفته است. آخرین کار این کارگردان جوان مربوط به زمستان ۱۴۰۰ با «احتمالات» است که در تالار چهارسو مجموعه تئاتر شهر روی صحنه رفته بود.

در نمایش «بر زمین می‌زنندش» دانیال خیری‌خواه، سیاس رضایی، امیر باباشاهی، آرش اشاداد، نواب ثریا و سهیل رجب، علی شمس را در مقام کارگردان همراهی می‌کنند. از دیگر اتفاق‌های مهم این روزها، اجرای نمایش «داستان باغ‌وحش» به کارگردانی خسرو خورشیدی در سالن قشقایی تئاتر شهر است.

این اثر نوشته ادوارد آلبی، با ترجمه حسین پرورش، از ۱۸ تیر تا ۱۵ مرداد ۱۴۰۴ هر شب ساعت ۲۰:۰۰ اجرا می‌شود.

آخرین اجرای صحنه‌ای خسرو خورشیدی به سال ۱۳۸۴ بازمی‌گردد؛ زمانی که نمایش «گفت‌وگو» نوشته فریدنخت زاهدی را در تالار سایه به صحنه برد. حال این استاد پیشکسوت بعد از ۲۰ سال نمایش «داستان باغ‌وحش» یکی از آثار شاخص آلبی است را با بازی مسعود سخایی و مسعود میرحسینی در مقام کارگردان رهبری می‌کند.

یکی دیگر از بازگشت‌های قابل توجه به صحنه، مربوط به رضا گوران است که پس از ۱۰ سال دوری، با نمایشی تازه به تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر بازمی‌گردد. آخرین اجرای او به زمستان سال ۱۳۹۴ و اجرای نمایش «شب آوازهایش را می‌خواند» در تالار استاد سمندریان ایرانشهر بازمی‌گردد. حال او قرار است شهریور و مهر امسال، نمایش «ارمیسس دوم» نوشته سیاستین تیری را روی صحنه ببرد؛ نمایشی با فضایی درخشان از کم‌دی سیاه و تعلیق، که مرز واقعیت و توهم را به چالش می‌کشد. داستان درباره زوجی

فرهنگ و هنر

اخبار	
سگ‌های زنده‌یاب در مستندی درباره جنگ ۱۲ روزه	
ماجرای قتل جوان بختیاری مستند شد	
	
مژگان صیادی، مستندساز، فیلمی درباره سگ‌های زنده‌یاب ساخته که در بلایای طبیعی و جنگ جان انسان‌ها را نجات می‌دهند.	
مژگان صیادی، مستندساز، در گفت‌وگو با خبرنگار ان از دو پروژه متفاوت و انسانی سخن گفت: یکی درباره‌ی سگ‌هایی که جان انسان‌ها را نجات می‌دهند و دیگری درباره قتل و صلح در دل عشایر بختیاری. دو سوزه که با فاصله‌ای زیاد از یکدیگر، نمایی واقعی از بحران، فداکاری، سنت و خشونت را در قاب دوربین او ثبت کرده‌اند.	
مستندی از قهرمانان بی‌صدا	
صیادی با اشاره به مستند جدید خود که به سگ‌های زنده‌یاب می‌پردازد، گفت: «این فیلم درباره حیواناتی است که با وجود شرایط آسیب‌پذیر ایران در برابر بلایای طبیعی مانند زلزله، سیل و حتی جنگ، در خط مقدم نجات جان انسان‌ها قرار می‌گیرند. مستند، بخشی از طرح‌های تصویب‌شده مرکز گسترش سیستمی مستند و تجربی در رابطه با جنگ ۱۲ روزه است.»	
او با اشاره به مراحل تولید این مستند افزود: «تحقیقات و پژوهش اولیه به پایان رسیده، اما در حال حاضر درگیر چالش دریافت مجوز برای بازسازی صحنه‌ها هستیم. امیدوارم بتوانیم فیلم را به موقع برای جشنواره سینماحقیقت آماده کنیم.»	
این مستندساز با تأثر از تلف شدن دو قلاده سگ زنده‌یاب به نام‌های «چارلی» و «آلویس» در جریان عملیات‌های نجات در جنگ ۱۲ روزه گفت: «هلاک احمر برای تربیت و نگهداری این حیوانات، هزینه زیادی صرف می‌کند، اما ارزش جان‌هایی که نجات می‌دهند، غیرقابل اندازه‌گیری است.»	
روایتی تکان‌دهنده از یک قتل و تلاش برای صلح	
دومین پروژه صیادی، اما رنگ و بویی انسانی‌تر و پیچیده‌تر دارد؛ مستندی درباره قتل یک جوان عشایر بختیاری و تلاش برای جلوگیری از قصاص. او درباره این اثر گفت: «ساخت این فیلم را دو سال پیش در منطقه بختیارنشین زاگرس، در استان خوزستان آغاز کردم. مستندی تک‌نفره است که با بودجه شخصی در حال ساخت است. قصه درباره جوانی است که به قتل رسیده و دو قاتل او از حدود ۸ سال قبل در زندان هستند. حالا کدخداه تلاش می‌کنند میان دو خانواده صلح برقرار کنند تا از چرخه خشونت جلوگیری «شود.»	
صیادی تأکید کرد که هدفش از ساخت این فیلم، مداخله در روند مصالحه نبوده بلکه صرفاً تماشگر و راوی بحران است: «فيلم، مستند مشاهده‌گر است. هرچند حضور دوربین ممکن است به آرامش جلسات کمک کرده باشد، اما تلاش کردم در تصمیم خانواده‌ها دخالت نکنم. من این پروژه را به درخواست برادر مقتول آغاز کردم و حاصلش دو سال زندگی در منطقه بختیاری‌نشین و یک سال همراهی با خانواده مقتول است.»	
مستند رش او	
او در پاسخ به این پرسش که آیا زنان مستندساز برای ساخت چنین فیلم‌هایی با دشواری بیشتری روبه‌رو هستند یا نه، صیادی پاسخی قابل‌تأمل داد: «در جوامع سنتی مثل جامعه بختیاری، اتفاقاً حضور یک کارگردان مرد با موانع بیشتری مواجه می‌شود. به دلیل زن بودن، خانواده‌ها راحت‌تر به من اعتماد کردند و این اعتماد باعث شد بتوانم به دل ماجرا بروم.»	
او البته تأکید کرد که مشکل مشترک همه مستندسازان، صرف‌نظر از جنسیت، تأمین بودجه و سرمایه تولید است. با این حال، نگاه سنتی به زنان فیلم‌ساز ممکن است موانع مضاعفی ایجاد کند.	
دعوت به دور شدن از پایتخت	

صیادی در ادامه با بیان اینکه سال‌ها در بین لرها زندگی و فیلم‌سازی کرده است، گفت: «در شهرستان‌ها مسائل زیادی وجود دارد که ظرفیت مستند شدن دارند؛ از مردسالاری و ازدواج اجباری گرفته تا استفاده خشونت‌بار از سلاح گرم. این مسائل به فرهنگ و حیات اجتماعی ایلات لطمه می‌زند و مستند می‌تواند در بازتاب و بررسی آن‌ها مؤثر باشد.» او با انتقاد از تمرکز فیلم‌سازی در تهران، توصیه کرد: «مستندسازها بهتر است از پایتخت فاصله بگیرند. در مناطق محروم، سوزه‌های دست‌نخورده بسیاری وجود دارد که ارزش مستندسازی دارند. هرچند کمبود زمان و بودجه چالش‌های بزرگی هستند، اما پرداختن به این مناطق ضرورت دارد.»

صیادی همچنین از کاهش تعداد مستندسازان در سال‌های اخیر ابراز نگرانی کرد و گفت: «بسیاری از مستندسازها از شهرستان‌ها به تهران مهاجرت کرده‌اند یا حتی از کشور خارج شده‌اند. این مسئله باعث شده با کمبود نیروی خلاق در این حوزه مواجه شویم و سوزه‌های مهم روی زمین بمانند.»